



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۷ آبان ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۲ ذی الحجه ۱۴۳۳

جلسه: ۷

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه

موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام- اصحاب اجماع

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در اصحاب اجماع بود، نوبت رسید به مفاد آنچه که در مورد این افراد گفته شده، این تعبیر که اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم در مورد هجده نفر از اصحاب به کار رفته است، حال باید دید منظور از تصحیح ما یصح عنهم چیست، متعلق اجماع و معقد اجماع اصحاب تصحیح ما یصح عنهم است که باید ببینیم منظور از این عبارت چیست؟ منظور از تصحیح تصدیق است یعنی تصدیق ما یصح عنهم ولی منظور از عبارت یصح عنهم باید روشن شود. در مورد ما یصح عنهم چهار احتمال وجود دارد که ما باید این چهار احتمال را با ادله و قائلین و آثارشان بررسی کنیم.

احتمال اول:

مراد از ما یصح عنهم حکایت و روایت این گروه به معنای مصدری آن است، یعنی اجماع تعلق گرفته به تصدیق حکایت و روایت این گروه، روایت به معنای مصدری یعنی روایت کردن و حکایت کردن. بر این اساس هر یک از این افراد اگر چیزی را حکایت کرد مورد تصدیق قرار می‌گیرد و گفته می‌شود که آنها در قول خودشان صادق‌اند، مثلاً اگر یونس بن عبدالرحمن از شیخ و استاد خودش حدیث و روایتی را نقل کند خود این حکایت و روایت نه مروی و نه نفس حدیث، مورد تصدیق قرار می‌گیرد و به عبارت روشن‌تر طبق این احتمال افراد مذکور نسبت به آنچه که بلاواسطه روایت می‌کنند مورد تصدیق قرار می‌گیرند مثلاً ابن ابی عمیر از ابن اذینه روایتی را نقل می‌کند که در روایت و حکایت کردنش مورد تصدیق قرار می‌گیرد، طبق این احتمال به مروی کاری نداریم بلکه مراد تصدیق روایت کردن و حکایت کردن اوست.

احتمال دوم:

مراد از ما یصح عنهم نفس حدیث و مروی است نه حکایت و روایت به معنای مصدری یعنی اجماع تعلق گرفته به تصدیق اینها در مورد خود حدیث و مروی و نتیجه آن این است که این روایت از معصوم (ع) صادر شده است به این معنی که اگر هر یک از این افراد روایتی را نقل کرد مورد تصدیق قرار می‌گیرد و گفته می‌شود که روایت و حدیث از معصوم (ع) صادر شده؛ به عبارت روشن‌تر طبق این احتمال اجماع بر تصدیق راوی است نسبت به آنچه که مع‌الواسطه نقل کرده؛ مثلاً ابن ابی عمیر با دو واسطه از امام (ع) مطلب و روایتی را نقل می‌کند، تصدیق ابن ابی عمیر بر اساس این احتمال به این معنی است که حدیثی که او از امام (ع) نقل کرده یعنی آن مروی مورد تصدیق و تأیید قرار بگیرد، پس در این صورت صحت به نفس حکایت و روایت به معنای مصدری تعلق نمی‌گیرد بلکه صحت و تصدیق به خود مروی متعلق می‌شود لذا

در صورتی هم که روایت به صورت مرسل نقل شده یا از یک شخص مجعول روایت کرده باشد لطمه‌ای به صحت نمی‌زند و روایت محفوف به قرائنی است که بر اساس آن قرائن راوی در مورد مروی مورد تصدیق قرار می‌گیرد.

احتمال سوم:

مراد نفس مروی است یعنی راوی نسبت به آنچه مع‌الواسطه نقل کرده مورد تصدیق قرار بگیرد لکن نه از آن جهت که روایت محفوف به قرینه است بلکه از این جهت که وثاقت راوی ثابت شده یعنی فقط وثاقت خود راوی است که باعث تصدیق حدیث و نفس مروی می‌شود، طبق این احتمال صحت حدیث مطلق نیست چون احتمال دارد کسی که روایت از او نقل می‌شود موثق نباشد.

احتمال چهارم:

اینکه مانند دو احتمال قبلی تصدیق به نفس حدیث و مروی متعلق شود یعنی نسبت به آنچه که او مع‌الواسطه نقل کرده مورد تصدیق قرار گیرد ولی از این جهت که خود این شخص و کسانی که او از آنها نقل می‌کند ثقه هستند. حال باید دید این احتمالات چه تفاوت‌هایی با هم دارند و ربط این احتمالات به ما نحن فیه به عنوان توثیق عام به چه نحو است چون اصحاب اجماع ضابطه‌ای است که به عنوان توثیق عام شناخته می‌شود.

تفاوت بین احتمالات:

در احتمال سوم و چهارم با اینکه تصدیق نسبت به خود حدیث و مروی است ولی تفاوتی بین اینها وجود دارد و آن این است که بنا بر احتمال سوم فقط وثاقت خود شخص مورد اتفاق ثابت می‌شود اما وثاقت اشخاصی که او از آنها نقل می‌کند ثابت نیست اما در احتمال چهارم هم وثاقت خود شخص مجمع علیه و مورد اتفاق و هم وثاقت اشخاصی که او از آنها نقل می‌کند ثابت می‌شود.

طبق احتمال اول عبارت اجمعت العصابة در واقع کنایه از اجماع بر عدالت و صدق است، بر اساس این احتمال این جمله به دلالت التزامی دلالت بر توثیق این جماعت می‌کند چون در این احتمال گفتیم منظور از تصحیح ما یصح عنهم این است که اصحاب بر تصدیق این گروه در حکایات و روایات آنها به معنای مصدری اتفاق دارند که لازمه تصدیق این گروه در روایت کردن وثاقت این اشخاص است، پس مفاد این عبارت طبق احتمال اول توثیق این جماعت است به دلالت التزامی. طبق احتمال دوم اگر حکم به تصدیق این گروه و صحت مروی و نفس حدیث می‌شود به خاطر قرائنی است که دال بر صدق خود حدیث است لذا توثیق این اشخاص از آن استفاده نمی‌شود چون در احتمال دوم گفتیم منظور تصدیق این اشخاص در مورد خود حدیث و اینکه این روایت از معصومین (ع) صادر شده است که این لزوماً دال بر وثاقت آن شخص یا افرادی که او از آنها نقل می‌کند نیست.

طبق احتمال سوم و چهارم وثاقت این گروه ثابت می‌شود چون وقتی این گروه مورد تصدیق قرار می‌گیرند و حکم به صحت حدیث آنها می‌شود به خاطر وثاقت خودشان یا وثاقت کسانی که این گروه از آنها روایت نقل کرده‌اند که در این

صورت بدیهی است که این بدان جهت است که آنها مورد وثوق بوده‌اند پس وثاقت این گروه با این اجماع بر طبق احتمال سوم و چهارم ثابت می‌شود.

حال باید دید در بین این چهار احتمال کدام یک مسئله را داخل در مباحث رجال قرار می‌دهد و فائده و ثمره و اثر در علم رجال بر آن مترتب می‌شود چون اگر به خاطر داشته باشید ما قبلاً گفتیم یکی از مهم‌ترین فواید و شاید مهم‌ترین فائده علم رجال مسئله تشخیص وثاقت است چون وقتی خبر ثقه را حجت می‌دانیم در درجه اول باید وثاقت شخص روشن شود که یک راه توثیق همین اصحاب اجماع است حال اگر یک احتمالی در عبارت اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم داده شود که بر اساس آن احتمال، وثاقت ثابت نشود طبیعی است که فائده‌ای بر آن مترتب نخواهد شد، درست است که در احتمال اول وثاقت به دلالت التزامی ثابت می‌شود ولی دلالت التزامی در اینجا ثمری ندارد چون مثل این است که وثاقت این اشخاص از غیر طریق اجماع صحابه بدست آمده و وقتی وثاقت از راه دیگری به دست بیاید با اینکه لازمه این امر اثبات وثاقت باشد فرقی نمی‌کند. بهر حال اصل این احتمالات چهارگانه در اینجا وجود دارد و این احتمالات تفاوت‌هایی هم از حیث آثار دارند که ملاحظه فرمودید طبق بعضی احتمالات اثر و فائده رجالی بر آن مترتب نیست که همان احتمال دوم و اول است ولی احتمال سوم و چهارم احتمالاتی است که اثر و فائده رجالی یعنی مسئله وثاقت اعم از وثاقت خود شخص و وثاقت کسانی که این شخص از آنها نقل می‌کند ثابت می‌شود.

بحث جلسه آینده: بررسی اینکه کدام یک از این احتمالات مورد قبول است بحثی است که انشاء الله در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»